حمید سبزواری(شاعر) | امیر حسین فردی (نویسنده) | ابوالفضل عالی (گرافیست) | شهید رسول کاظم نژاد (عکاس) | صفار زاده(نویسنده) | شهید احمد زارعی (شاعر) | مهرداد اوستا(شاعر) | نصرالله مردانی (شاعر) | مسعود شجاعی طباطبایی (کاریکاتوریست) | حبیب الله معلمی (شاعر) | علیرضا قزوه(شاعر) | محمدعلی گودینی(نویسنده) | علی محمدمؤدب (شاعر) | مرحوم شهریار(شاعر) | محمدمهدی سیار (شاعر) | سیمین‌دخت وحیدی (شاعر) | صلواتیان(نویسنده و تصویرگر)

«هیچ» به «هیچ»!

نقد و بررسی رمان «مارون»

○ بخش دوم و آخر

□ احمد شاکری نویسنده و منتقد ادبی

می‌توان به حداقل‌هایی برای رمان برای انقلاب اسلامی قائل شد. همانطور که جنگ هشت ساله با عنوان «دفاع مقدس» شناخته می‌شود و دفاعی بودن و تقدس دو امر مقوم جنگ هشت ساله فرض می‌شوند. کاربرد تعبیر «انقلاب اسلامی» برای واقعه‌ای که از نظر سیاسی در بهمن ۵۷ به بار نشست ناظر بر امور مقوم این واقعه است. مارون بارها از «انقلاب» یاد می‌کند اما حتی یک بار از این واقعه با عنوان «انقلاب اسلامی» یاد نمی‌کند. به نظر می‌رسد اموری چون: رهبران انقلاب، مبانی دینی انقلاب، زمینه‌های فرهنگی انقلاب، اهداف انقلاب، ارزش‌های انقلاب و نیروهای انقلابی(امت) جزو امور مقوم هر انقلابی هستند و تک‌تک این امور مقوم در پیروزی و هویت انقلاب اسلامی موثرند. سوالی که در پی این مقدمه قابل طرح است اینکه در رمان مارون چه تصویری از انقلاب اسلامی ایران ارائه شده است؟ چه نسبتی میان آنچه پس از وقوع انقلاب ۱۳۵۷ در ایران به وقوع پیوست با وقایعی که در همین دوره در «مارون» رخ داده است وجود دارد؟ در صورتی که این نسبت واقعی نبوده بلکه در تصویرسازی امور مقوم انقلاب شکلی معکوس و متضاد یافته باشد می‌توان گفت مارون انقلاب اسلامی را تحریف کرده و بر علیه ارزش‌های آن شوریده است. اما تصویری که از انقلاب اسلامی ارائه می‌شود چگونه تصویری است؟ آنچه در ذیل می‌آید توضیحی کوتاه در این باره است:

جامعه مارون جامعه‌ای بی‌فرهنگ، به شدت خرافی و فاقد آداب و رسوم و مولفه‌های تمدنی است. مارون بیشتر به ویرانه‌ای می‌ماند که اهالی آن در بدبختی اقتصادی، جهل علم، خرافات مذهبی و فساد اخلاقی غوطه‌ور

معلوم نیست انقلابی‌های مارون بر اساس کدام رهبری انقلاب کرده و برای تسلط کدام الگوی حکومتی مبارزه می‌کنند.

هستند. گویا این سرنوشت ازلی و ابدی این منطقه بوده است. وجود «گودالی» عظیم در این روستا که داشته‌های آنها را بلعیده است و تاریخچه جنایات و گناهان آنها است کاملا چشمگیر است. اما به واقع انقلاب اسلامی در چه شرایطی و برای کدام مردم رخ داد؟ آیا انقلاب اسلامی نتیجه مبارزه خونین انقلابی‌ها برای سقوط حکومت پهلوی بود یا آنکه امام همواره رشد فکری و نهضت عظیم مردمی آگاهانه را ترویج می‌دادند؟ مارون به هیچ وجه نمی‌تواند فرهنگ ایرانی و اسلامی را در عظمت و غنا و شکوهش نشان دهد بلکه نوعا تصویری به شدت سیاه که باب میل و طبع جشنواره‌های خارجی است از ایران ارائه می‌نماید.

انقلاب در مارون فاقد رهبر است. معلوم نیست انقلابی‌های مارون بر اساس کدام رهبری انقلاب کرده و برای تسلط کدام الگوی حکومتی مبارزه می‌کنند. حتی بیانیه‌هایی که در جریان انقلاب در مارون دست به دست می‌شود فاقد نام مشخصی درباره نویسنده است. همانطور که مارون در انقلابش فاقد رهبر است تصویری که از پهلوی ارائه می‌کند مبهم است. لذا معلوم نیست انقلاب دقیقا چه چیزی را قرار است تغییر دهد. البته طبیعی است پرداخت به رهبری حضرت امام با نگاه تند و تیز غیردین باور مارون جزو خطوط قرمز نویسنده بوده است و به همین دلیل هیچ روحانی‌ای در مارون دیده نمی‌شود و هیچ نامی از هیچ رهبری برده نمی‌شود. اما اشاره به واقعه تاریخی در این رمان کافی است که با تطبیقی برون متنی مخاطب این کتاب بداند آنچه در مارون شاهد آن است از نتایج انقلابی است که به رهبری امام خمینی شکل گرفته و پیروز شده است.

از نکات بسیار مهم این رمان نوع نگاهی است که به دین در آن شده است. از دیرباز ادبیات شبه‌روشنفکری و نویسندگان آن با دین و مظاهر و شخصیت‌های آن ضدیت داشته و دین را موجب استحمار و استحماق توده مردم می‌دانسته‌اند. تصویر غلط و خودساخته‌ای از دین که این طیف به خورد مخاطب خود می‌داده‌اند نوعا به قبرستان‌ها منجر می‌شده است. دین آمیزه‌ای از خرافات و موهومات نشان داده می‌شده است که هیچ کاری به زندگی امروزی انسان‌ها ندارد و مردم به جای فکر و اندیشه و تلاش دائما در حال عرض دعا و نذر و نیاز هستند. مردمی فاقد حداقل سواد که دین را دستمایه‌ای برای راحت‌طلبی خود قرار داده‌اند. آثار عموم نویسندگان شبه‌روشنفکر آمیخته با چنین تصور غلطی درباره دین است. اما مارون نیز چنین تصویری از دین ارائه می‌نماید. از سویی مردمی دیده می‌شوند با باورهای غلط خرافی و به نظر می‌رسد دین برای آنها در نگاه داشتن قرآن در خانه‌هایشان خلاصه شده است. آقاکور از شخصیت‌های مارون تنها چند آیه از قرآن می‌داند. آنها مراسم عاشورا دارند اما این عاشورا نه تنها معرفت‌بخش نیست که اساسا مراسمی خرافی و پوچ است. در حقیقت نه تنها دین در انقلاب این مردم تاثیری دارد بلکه نوعا زمینه‌ای برای جنایات آنها فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی بروز انقلاب و پدید آمدن طیفی انقلابی که نمایندگان انقلاب در مارون هستند چهره جدیدی از دین افراطی، دین جاهلانه، دین قلدرمآبانه و دین فرصت‌طلب و زورگو به نمایش می‌گذارد. نمایشی که به تصویر ارائه شده از انقلابی‌ها در فیلم‌های ضد انقلابی بسیار شبیه است. جوانانی جاهل و بی‌سواد بر سرنوشت مردمانی حاکم می‌شوند و هر چه می‌خواهند به نام دین بر سر مردم می‌آورند. این جوانان که به صورت مشخص نماینده جوانان بسیجی، سپاهی و کمیته‌ای در اوان پیروزی انقلاب هستند خشم مردم را به جوش می‌آورند. مادر و پدرشان را به نام انقلاب کتک می‌زنند. اموال ملی و مردم را تصرف و غارت کرده یا آتش می‌زنند و به تعبیر آقاکور همانند سیلی می‌شوند که به جان مارون افتاده است. با این توضیحات کمتر تردیدی باقی نمی‌ماند که موضع مارون و نویسنده آن ویرانگری انقلاب و تاثیر مخرب آن بر ایران بوده است. تردیدی باقی نمی‌ماند که در نگاه نویسنده دین دستمایه بازی قدرت و چپاول ثروت مردم از سوی انقلابیون در واقعه پیروزی انقلاب اسلامی بوده است.

«مارون» روایتی قصه‌گو دارد. داستان، از ابتدا تا انتها کاملا خطی پیش می‌رود. زاویه دید اول شخص و درون‌نگری در این روایت جایی ندارند. این موجب شده، مخاطب در همراهی و مشارکت ذهنی در ساخت جهان داستان، کار دشواری پیش رو نداشته باشد. همچنین روایتی که بلقیس سلیمانی از جهان داستانی مارون ارائه می‌دهد بر واقعیت داستانی مطلقی که در آن تردیدی وجود ندارد تاکید می‌نماید. جهان داستانی مارون جهانی وقوعی و غیرقابل انکار است و زاویه دید سوم شخص دانای کل قاطعانه داستان را پیش می‌برد. چنین رویه‌ای در داستان‌گویی را باید برگ برنده و البته نقطه تمایز مارون با آثار تولید شده در فضای شبه‌روشنفکری دانست. روایت به شیوه پست مدرن در فضای روشنفکری کشور که با شکاکیت، مطلق‌گریزی، شکست متوالی زمان، پاره پاره شدن شخصیت، عدم تمامیت و ضدیت با قصه‌گویی همراه است در طول چند دهه اخیر ادبیات داستانی شبه‌روشنفکری را به چالشی جدی کشانده است. مروری بر آثار داستانی برخی ناشران مطرح این جریان از جمله چشمه نشان می‌دهد، سیر جریان آموزش داستان‌نویسی در جبهه شبه‌روشنفکری و چاپ و نشر آثار به سمت میدان دادن به روایت‌های درونی، پیچیده، پازل‌گونه و قطعیت‌گریز سوق پیدا کرده است. نوعا شخصیت‌های درگیر در چنین داستان‌هایی دچار بحران‌های روحی و هویتی بوده و روایت پاره پاره گویای وضعیت بغرنج روانی آنها به عنوان راویان اول شخص است. البته ورود جریان شبه‌روشنفکر به چنین فضایی از داستان‌نویسی، نوعا مخاطب عام ادبیات داستانی معاصر را که خواهان جنبه‌های تفریحی و قصه‌گویانه داستان است از خود دور ساخته است. شاید به همین دلیل است که پس از نسل طلایی نویسندگان این جریان از جمله، چوبک، ساعدی، هدایت، علوی و دولت‌آبادی، دوره کنونی برای این جریان دوره غیبت نویسندگان کاریزماتیک باشد.

سیر جریان آموزش داستان نویسی در جبهه شبه روشنفکری و چاپ و نشر آثار به سمت میدان دادن به روایت‌های درونی، پیچیده، پازل‌گونه و قطعیت‌گریز سوق پیدا کرده است.

به نظر می‌رسد بلقیس سلیمانی در انتخاب شیوه روایت قصه‌گوی خود با زاویه دید بیرونی بیش از آنکه بخواهد به شیوه پست مدرن پشت کند، درصدد اعلان درونمایه‌ای قطعی و تصویری بدون تأویل و تفسیر از روایت خود از انقلاب اسلامی است. او با تحفظ بر قصه‌گویی و حرکت بر مدار مطلق گرایی- برخلاف رویه غالب نویسندگان پست مدرن- مایل است بی‌هیچ پرده‌پوشی و البته با بکارگیری ترفندهایی انقلاب اسلامی را به نقد بکشد. اما به نظر می‌رسد آنچه او در این داستان به تصویر کشیده است نه واقعیتی تاریخی از منظری بی‌طرفانه که بیشتر کاریکاتوری با بعیدترین شباهت از این واقعه عظیم تاریخی است. همانطور که پیش از این نیز بیان شد، در قیاس با واقعه دفاع مقدس، باید انقلاب اسلامی را واجد پیچیدگی‌ها و تنوع بیشتری به لحاظ شخصیت‌های دخیل در آن دانست. تنوع دیدگاه‌ها و گروه‌های مبارز کوچک و بزرگ در طول انقلاب اسلامی و عوامل مختلف موثر در آن، پرداخت به چنین واقعه‌ای را دشوار می‌کند. شاید به همین دلیل باشد که ادبیات داستانی انقلاب اسلامی در نمونه‌های تولید شده توسط جریان متعهد نیز نتوانسته است تصویری عمیق و دقیق از انقلاب ارائه دهد. از منظر برخی نویسندگان متعهد، انقلاب با ترسیم چهره‌ای از ساواکی به عنوان نماینده حکومت جبار پهلوی و مبارزی که تمام هم خود را در پخش اعلانیه و شرکت در تظاهرات و شعارنویسی می‌کند همراه است. این سطحی‌نگری موجب خواهد شد انقلاب با تمامی مبانی عمیق و دقیق‌اش به یک نزاع کم‌مایه و بیرونی تبدیل شود. اما چنین تجربه‌ای از سوی جریان داستان‌نویس متعهد به نظر می‌رسد در روی دیگر سکه نیز توسط داستان‌نویسانی چون بلقیس سلیمانی در حال پیگیری است. ایده‌ای که در یک‌سو از ساواکی فردی قلدر، کنددهن و بی‌رحم می‌سازد در سوی دیگر و در روایت جریان شبه روشنفکر از فرد انقلابی، تیپی خشک مقدس، بی‌سواد، خرافی و قدرت‌طلب ترسیم می‌کند. در رمان مارون، جوان‌های انقلابی به انقلاب اسلامی ۵۷ تعلقی ندارند. آنها پیش از هر چیز برآمده از ذهنیت قضاوتگر، خشمگین و بی‌اطلاع نویسنده‌اند. ذهنیتی که با ساخت نمایندگان فرضی و دروغین برای انقلاب اسلامی تلاش دارد در تمامی انقلاب و رویش‌های فکری و فرهنگی و سیاسی آن را در همین چند جوان تندرو خلاصه کند.

چنین ترسیمی از شخصیت‌های انقلاب اسلامی معلول دو علت اساسی است. نخست آنکه مارون با ورود جانبدارانه به تاریخ و برخلاف ادعای ادبیات شبه‌روشنفکر مبنی بر بی‌طرفی نویسنده و روایت از ماوقع، نه تنها جانبداری خود را در تیپ‌سازی‌ها اعلام داشته است بلکه چهره‌ای غیرواقعی و معکوس از نیروهای انقلابی به نمایش گذاشته است. اما دلیل ساختاری دیگر را باید در نفس روایت «مارون» جست‌وجو کرد. مارون داستانی در ۲۱۰ صفحه با ۴۸ شخصیت است. حضور این تعداد شخصیت کافی است تا دریابیم نویسنده عملا مجالی برای پردازش شخصیت‌های خود نیافته است. داستان به صورتی سیال بین آدم‌های مارون در جریان است. نه شخصیت اصلی معلومی برای رمان در نظر گرفته شده است و نه داستانی با تمرکز بر مسئله واحد. بلکه تنها موقعیتی طراحی شده است که نویسنده تلاش کرده آدم‌های مختلفی را در آن روایت کند. در نتیجه تمامی شخصیت‌های حاضر در این رمان در حقیقت «تیپ» هستند. آدم‌های نوعی که می‌توان آنها را در یکی دو جمله خلاصه کرد. هیچ یک از آنها عمق لازم را ندارند. چنین تنوعی از شخصیت‌ها کافی است تا نویسنده نتواند به تولید شخصیت همه‌جانبه مبادرت ورزد. فقدان شخصیت همه‌جانبه به معنای تقلیل کاریکاتورگونه شخصیت‌های تاریخی در نمونه‌های سطحی است. نمونه‌های تکراری که ادبیات داستانی معاصر از آنها انباشته شده است. بلقیس سلیمانی در طراحی جوانان انقلابی دقیقا همان کاری را انجام داده است که پیشینیان و نویسندگان نسل اول روشنفکری با شخصیت‌های متدین و مومن انجام دادند. همان کاری که امثال چوبک و هدایت با برخی تیپ‌ها آن را به نمایش گذاشتند. همانطور که در آن داستان‌ها دینداری با خرافه‌باوری و تزویر و نفاق و بی‌سوادی و تحجر همراه است اکنون و در رمان مارون، انقلابی بودن همین معنی را دارد. صمد به عنوان یکی از شخصیت‌های محوری این رمان که نوجوانی هجده ساله است و اساسا اهل درس و مدرسه نیست و اطلاعاتی هم درباره انقلاب ندارد زندانی می‌شود و با وقوع انقلاب و آزاد شدن از زندان به عنوان یک قهرمان همه‌کاره مارون می‌شود و سردسته جوانان انقلابی. «حرف عادی‌اش را هم به زور می‌زد چه برسد به سخنرانی. بعدها به وفور اینجا و آنجا دعوت می‌شد تا از تجربیات انقلابی‌اش بگوید. نمی‌گفت نمی‌توانست سوادش را نداشت. او فقط یک دانش‌آموز بود هجده سال بیشتر نداشت و یک جلد کتاب در عمرش نخوانده بود.» ص ۵۷. «صمد به درستی نمی‌دانست هدفش چیست.» ص۶۷.

«شرکت سروش امید پارسیان درنظر دارد عملیات استخراج از معدن شن و ماسه خود، واقع در اراضی سارمساقلو در شهر زنجان، استان زنجان را ازطریق برگزاری مناقصه به پیمانکار سرمایه‌گذار واگذار نماید. علاقمندان می‌توانند برای کسب اطلاعات بیشتر و دریافت اسناد مناقصه تا تاریخ ۱۳۹۶/۰۸/۱۵ با شماره تلفن ۰۹۱۲۲۴۵۷۹۸۸ آقای حامد شیرازی تماس حاصل نمایند.»

پروانه بهره‌برداری کارخانه آب معدنی آبشن به شماره ۱۱۰/۴۸۶۹ مورخ ۱۳۸۴/۲/۲۴ بنام اروم پیرانوس مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی تغییرات شرکت خانه مطبوعات استان همدان موسسه غیرتجاری به شماره ثبت ۱۹۰ و شناسه‌ملی ۱۰۸۰۰۱۱۱۳۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۲۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱- دفتر مرکزی شرکت در همدان چهارراه پژوهش بلوار بعثت مجتمع فرهنگی سینمایی شهید آوینی کدپستی ۶۵۱۶۹۳۳۸۹۱ انتقال یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
۲- موضوع شرکت به شرح زیر اصلاح و ماده مربوطه در اساسنامه تغییر یافت:
کمک به تأمین حقوق و گسترش آزادی‌های قانونی و مسئولانه رسانه‌های استان با رویکرد صنفی، کمک به اقتصاد رسانه‌های استان از طریق آموزش و ترویج شیوه‌های روزآمد مدیریت رسانه، استعدادیابی و حمایت از آموزش و اشتغال نیروهای مستعد در حوزه روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، بسط و تقویت ارتباط مطبوعات استان با دستگاه‌های اجرایی، موسسات و نهادهای دولتی و عمومی و سایر صنوف و تشکل‌های قانونی، تدوین بانک‌های اطلاعاتی روزنامه‌نگاران، برگزاری جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها و بزرگداشت مناسبت‌های مطبوعاتی در استان، همکاری با مراکز عرضه و فروش نشریات محلی به منظور تقویت سامانه توزیع مطبوعات در استان، دفاع از حقوق حرفه‌ای اعضاء و داوری در اختلافات داخلی روزنامه‌نگاران استان، حل مشکلات صنفی اعضاء و فراهم آوردن تسهیلات رفاهی برای آنان، تأسیس و تقویت تعاونی (مصرف، مسکن) و صندوق اعتباری حمایت، برای اعطای تسهیلات به اعضاء، جذب حمایت‌های مالی و تسهیلات دولتی و توزیع قاعده‌مند آنها در بین اعضاء، تدوین و اجرای برنامه‌های فرهنگی- آموزشی در جهت توسعه کیفی مطبوعات استان، آسیب‌شناسی فعالیت‌های مطبوعاتی و طراحی‌ساز و کارهای لازم برای ارتقای کمی و کیفی مطبوعات استان، ایجاد بستری برای خدمات رسانه‌ای و آموزشی به ادارات،نهادها و متقاضیان در جهت تأمین مخارج مطبوعات، آموزش شیوه‌های حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و فنون و تخصص‌های مرتبط به اعضاء، روزنامه‌نگاران غیرعضو و علاقه‌مندان به این حرفه، تعامل فعالانه با اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی در تکمیل بانک‌های اطلاعاتی، برگزاری جشنواره‌ها، فعالیت‌ها و بزرگداشت مناسبت‌های مطبوعاتی در استان براساس تفاهم‌نامه‌های منعقده و مصوب فی‌مابین.
۳- اساسنامه جدید خانه مطبوعات شامل ۵۲ ماده و ۴۵ تبصره به تصویب رسید و جایگزین اساسنامه قبلی گردید.
این آگهی به استناد نامه شماره ۱۶/۱۱۱/۷۱۲۷ مورخ ۱۳۹۶/۷/۱۸ اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان صادر گردید.
با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در واحد ثبتی)، تصویب اساسنامه جدید، اصلاح ماده اساسنامه (تغییر موضوع فعالیت) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

اداره ثبت اسناد و املاک استان همدان
مرجع ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری همدان

رونوشت آگهی حصر وراثت

آقای رحیم توکلی‌نیا دارای شناسنامه شماره ۱۲ به شرح دادخواست به کلاسه یک سیار از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان شیرین محمدی به شناسنامه ۲۴۵۱ در تاریخ ۹۶/۶/۲۲ اقامتگاه دایمی خود در آوج بدرود زندگی گفته ورثه حین‌الفوت آن مرحوم منحصر است به:
۱- زهرا توکلی‌نیا فرزند غلامعلی به شماره شناسنامه ۶۴۹ متولد ۱۳۱۹ (مادر متوفی)
۲- اشکان توکلی‌نیا فرزند رحیم به شماره ملی ۰۰۱۱۸۰۰۲۴۰ متولد ۱۳۶۷ (پسر متوفی)
۳- سیف‌الله محمدی فرزند ولی به شماره شناسنامه ۱۲ متولد ۱۳۱۸ (پدر متوفی)
۴- رحیم توکلی‌نیا فرزند قنبرعلی به شماره شناسنامه ۱۲ متولد ۱۳۴۰ (همسر متوفی)
اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می‌نماید تا هر کس اعتراض دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد در غیر این صورت گواهی صادر خواهد شد.

صمدی
قاضی شورای حل اختلاف آوج

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) خودرو سواری ۲۰۶ مدل ۱۳۹۵ به شماره انتظامی ۱۶۹ د ۹۷ ایران ۵۹ متعلق به اینجانب الهام علی‌محمدی فرزند حسین شماره شناسنامه ۸۵۶۱ صادره از گرگان شماره ملی ۲۱۲۲۷۴۱۶۱۹ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودروسواری ۲۰۶ مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۱۷۳ د ۶۸ ایران ۱۷ به شماره موتور ۱۳۰۸۵۰۰۰۰۰۲ و شماره شاسی ۱۰۸۳۳۹۲۶ بنام وحید قویدل قره‌باغ مفقودشده و از درجه اعتبار ساقط است.

دادنامه

شماره دادنامه: ۹۶۰۹۹۷۶۱۱۰۷۰۰۷۷۲
شماره پرونده: ۹۶۰۹۹۸۶۱۱۰۷۰۰۲۹۰
شماره بایگانی شعبه: ۹۶۰۳۰۴

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۶۱۱۰۷۰۰۲۹۰ شعبه ۴ دادگاه عمومی حقوقی شهرستان اهواز تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۶۱۱۰۷۰۰۷۷۲
خواهان: آقای اصغر بهرامی فارسانی فرزند مرتضی با وکالت خانم شیما سلامی فرزند یعقوب به نشانی استان خوزستان- شهرستان اهواز- اهواز- خ طالقانی بین خ مسلم شریعتی طبقه ۲ پ ۲۵۱
خوانده: آقای حبیب‌پورنیسی فرزند عباس به نشانی مجهول‌المکان
خواسته: مطالبه وجه چک

رای دادگاه

در خصوص دعوی آقای اصغر بهرامی فارسانی فرزند مرتضی با وکالت خانم شیما سلامی و به طرفیت آقای حبیب پورنیسی فرزند عباس و بخواسته و تقاضای مطالبه مبلغ ۳/۲۷۸/۱۵۰/۰۰۰ ریال وجه پنج فقره چک بشماره‌های ۱۰۳۵۸۵۷ و ۱۰۳۵۵۵ و ۳۴۹۸۱۶ تا ۳۴۹۸۱۸ بانضمام کلیه خسارات قانونی اعم از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل و تاخیر تادیه لغایت اجرای حکم، دادگاه با توجه به رونوشت مصدق چکها و گواهی عدم پرداخت بانک محال الیه مستند دعوی به شماره‌های فوق الذکر عهده بانک کشاورزی و امضاء خوانده در ذیل آن که توسط بانک مربوطه گواهی شده است و نظر به اینکه خوانده درجلسه دادرسی حاضر نشده و دلیلی و مدرکی دال بر پرداخت ما فی‌الذمه خود و یا ابراء ذمه خود ارائه ننموده‌اند و منکر صدور مستند ابرازی خواهان نشده‌اند و لذا دعوی خواهان را مقرون به صحت تشخیص و به استناد مواد ۳۱۰ و ۳۱۳ و ۳۲۰ قانون تجارت و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک و مواد ۱۹۸و ۵۱۵ و ۵۱۹ و ۵۲۲ قانون آئین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ سه میلیارد و دویست و هفتاد و هشت میلیون و یکصد و پنجاه هزار ریال بابت اصل خواسته و همچنین به پرداخت خسارات دادرسی اعم از هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل براساس تعرفه قانونی و نیز پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ صدور چکها لغایت اجرای حکم بر مبنای شاخص نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی در حق خواهان صادر و اعلام می‌نماید رای صادره غیابی و ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این مرجع و ظرف مهلت بیست روز پس از آن قابل تجدید نظرخواهی در دادگاه تجدید نظر استان خوزستان است.

رئیس شعبه چهارم دادگاه حقوقی اهواز- علیرضا عبادی‌نیا

نشانی: استان خوزستان- شهرستان اهواز- انتهای عامری اول نیوساید- مجتمع قضایی شهید تندگویان (انرژی)

آگهی مزایده نوبت اول اموال غیرمنقول

بموجب دادنامه شماره ۹۵۰۹۹۷۸۷۱۰۳۰۰۵۹۷ مورخه ۹۵/۱۲/۴ شعبه دوم دادگاه حقوقی دادگستری سنندج که منتهی به پرونده اجرایی کلاسه **۹۶۰۴۲۵** این اجرا گردیده است دستور فروش ماترک مرحوم احمد زندکریمی طبق نظر کارشناسان رسمی دادگستری، صادر شده است لذا املاک و اموال منقول و غیرمنقول مشروحه ذیل که طبق نظریه کارشناسان رسمی دادگستری قیمت‌گذاری شده است و در روز **دوشنبه مورخه ۹۶/۸/۲۲ از ساعت ۹ الی ۱۰/۳۰** در محل دفتر اجرای احکام متمرکز شعبه اول حقوقی با حضور دادورز شعبه و نماینده دادسرای عمومی به مزایده گذاشته می‌شود. طالبین می‌توانند پنج روز قبل از روز مزایده از مال مورد مزایده بازدید بعمل آورند. در صورت ممانعت غیر، با کسب مجوز اقدام و در روز مزایده پیشنهاد خود را بصورت کتبی و بدون خط‌خوردگی تسلیم نمایند. برنده مزایده کسی خواهد بود که بالاترین قیمت را روز برگزاری مزایده پیشنهاد و فی‌المجلس مبلغ ۱۰٪ قیمت پیشنهادی را بعنوان سپرده به قسمت اجرا تسلیم و یا طی فیشی به حساب شماره ۲۱۷۱۲۹۴۳۵۶۰۰۴ سپرده دادگستری واریز نموده و حداکثر ظرف یک ماه آینده ترتیب مابقی قیمت اموال مورد مزایده را بدهد. در غیراینصورت مبلغ ۱۰٪ واریزی به نفع دولت ضبط خواهد شد.

اموال غیرمنقول شامل:
۱- منزل مسکونی به آدرس: سنندج- چهارباغ- کوچه خلیفه فتاح یک- کد پستی ۶۶۱۵۶۱۶۶۳۴- دارای مساحت عرصه ۳۸۹/۵۳ مترمربع که از ضلع شمالی به کوچه و از دیگر جهات به پلاکهای مجاور محدود با سازه ترکیبی اسکلت چوبی و فلزی ملک بصورت چند بخش با وضعیت یک‌خوابه و سرویس کامل درآمده، و دارای امتیازات چهارگانه می‌باشد. **با توجه به کلیه عوامل موثر در ارزش‌گذاری و بدون در نظر گرفتن تسهیلات بانکی(وام)این ملک توسط کارشناس به مبلغ پایه ۴/۵۸۱/۱۴۵/۰۰۰ ریال قیمت‌گذاری شده است.**
۲- یک باب مغازه به آدرس: سنندج- خیابان انقلاب- بازار حلبی‌سازان- کد پستی ۶۶۱۵۶۱۵۵۸۱- دارای مساحت ۲۱ مترمربع، دارای یک نیم طبقه و صحن در جلو دارای امتیازات چهارگانه می‌باشد. **با توجه به کلیه عوامل موثر در قیمت‌گذاری و تجاری بودن، قیمت پایه مغازه توسط کارشناس رسمی دادگستری مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین شده است.**

مرادی- دفتر اجرای احکام شعبه اول حقوقی دادگستری شهرستان سنندج

آگهی المثنی سند مالکیت پلاک ۹/۲۰۴۱۱ بخش ٤ اندیمشک

خانم خاور حاجیوند وارک با تسلیم دو برگ استشهاد تنظیمی دفترخانه ۶۲ اندیمشک مدعی است که سند مالکیت ششدانگ پلاک ۹/۲۰۴۱۱ واقع در بخش ۴ اندیمشک که در صفحه ۳۵۰ دفتر ۱۰۶ ذیل ثبت ۱۹۴۳۸ بنام مشارالیه ثبت و سند مالکیت آن به شماره چاپی ۹۰۹۳۶۱ صادر و تسلیم گردید حسب اعلام متقاضی بعلت جابجایی مفقود گردیده و درخواست سند المثنی رانموده است. لذا بدستور تبصره ذیل ماده ۱۲۰ آیین‌نامه قانون ثبت مراتب جهت اطلاع عموم یک نوبت آگهی می‌شود که هرکس مدعی انجام معامله یا وجود سند مالکیت نزد خود می‌باشد می‌تواند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خودرا به این اداره تسلیم دارد در غیر اینصورت پس از سپری شدن مدت مقرر قانونی و عدم واخواهی، سند مالکیت المثنی بنام مالک صادر خواهد شد. ضمنا پلاک مذکور به موجب سند رهنی ۹۶۷۳ مورخ ۹۳/۶/۱۸ تنظیمی دفترخانه ۲۴۴ اندیمشک نزد بانک کشاورزی اندیمشک در رهن می‌باشد.

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک اندیمشک - رضایی میرقاید

آگهی اخطار افراز

نظر به اینکه آقای محمدحسین برزگری فرزند محمدحسن طی دادخواست شماره ۵/۶۹۰ مورخ ۹۶/۴/۲۵ تقاضای افراز سهم خود از پلاک ۷۱۷۱ بخش ۲۱ یزد را نموده است جهت بررسی موضوع و وقت معاینه محل برای ساعت ۸ صبح مورخ ۹۶/۸/۱۷ تعیین گردیده است لذا از شما آقای محمدعلی ذوالفقاری ده‌آبادی فرزند محمد به عنوان مالک مشاعی (به علت عدم حضور) دعوت می‌شود در موعد مقرر در محل اداره ثبت اسناد و املاک میبد حاضر شوید تا به همراه نماینده و نقشه‌بردار ثبت به محل وقوع ملک عزیمت شود. بدیهی است عدم حضور شما مانع از انجام عملیات افراز نخواهد شد.
تاریخ انتشار: یک‌شنبه ۹۶/۷/۳۰

هادی بیگی ده‌آبادی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان میبد

دادنامه

پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۸۳۱۹۰۰۲۹۴ شعبه اول دادگاه عمومی(حقوقی) دادگستری شهرستان بوئین‌زهرا تصمیم نهایی شماره ۹۶۰۹۹۷۲۸۳۱۹۰۰۳۴۸
خواهان: خانم بتول خلیلی فرزند نعمت‌اله با وکالت خانم فرزانه بابائی فرزند باقر به نشانی قزوین- بوئین‌زهرا- بوئین‌زهرا روبروی دادگستری خ ولیعصر
خوانده: آقای بهرام فرهنگی اسکی‌کنه فرزند اکبر به نشانی تهران- میدان بهاران- خ عسگری- ک فیروزی- پ ۸۳
خواسته: طلاق به درخواست زوجه

«رای دادگاه»

در این پرونده خانم بتول خلیلی فرزند نعمت‌اله با وکالت خانم فرزانه بابایی فرزند باقر دادخواستی را به طرفیت آقای بهرام فرهنگی اسکی‌کنه فرزند اکبر به خواسته صدور حکم طلاق تقدیم نموده است. تصویر مصدق سند نکاحیه شماره ۸۱۸۲ تنظیمی در دفتر رسمی ازدواج شماره ۹۹ بوئین‌زهرا، بیانگر زوجیت دائم طرفین می‌باشد. خواهان مبنای خواسته خویش را عسر و حرج از بابت، ترک زندگی مشترک بدون عذر موجه توسط زوج(از سال ۱۳۹۳)، استنکاف از پرداخت نفقه، سوءرفتار زوج(ضرب و جرح، توهین) اعتیاد به مواد مخدر، اعلام نموده است و اظهار داشته بر اساس موارد فوق، شرایط زندگی برایم سخت و دچار عسر و حرج شده‌ام و دادخواست طلاق را تقدیم نموده است. با ارجاع موضوع به داوری؛ داور زوجه اظهار داشته، با توجه به اینکه زوج حدود دو سال است زندگی مشترک را ترک نموده و زوجه در این مدت در عسر و حرج قرار گرفته است، طلاق را به مصلحت زوجه بیان داشته است. داور زوج نیز بیان داشته؛ خوانده(زوج) بعد از دو ماه از عقد دائم در سال ۱۳۹۳ زندگی مشترک و زوجه را ترک نموده و رفته است و امکان مصالحه بین زوجین فراهم نبوده است. شهود تعرفه شده خواهان نیز بر ترک زندگی مشترک توسط زوج، سوءرفتار(ضرب و جرح، توهین، تهدید و...)، استنکاف از پرداخت نفقه و اعتیاد وی شهادت داده‌اند. تحقیقات محلی توسط ضابطان قضایی نیز نشان‌دهنده، اعتیاد خوانده به مواد مخدر و ترک زندگی مشترک و عدم پرداخت نفقه زوجه بوده است. رای دادگاه در خصوص محکومیت حقوقی نفقه نیز پیوست پرونده می‌باشد. النهایه دادگاه با عنایت به دادخواست تقدیمی و اظهارات خواهان و شهود تعرفه شده، رای دادگاه حقوقی، تحقیقات محلی در خصوص موضوعات بیان شده، نظریه داوران، عدم حضور خوانده در جلسات دادرسی و عدم ارائه دفاع مفید و موثر در موضوع و با عنایت به اینکه ادامه زندگی مشترک بعد از چند سال ترک زندگی توسط زوج، استنکاف از پرداخت نفقه، سوءرفتار، نوعا برای هر فردی مشقت‌بار بوده و قابل تح